

آنجا که ارتش گومیندان با تلاش زیاد واحدهای منظم خود را با واحدهای غیرمنظم ترمیم میکرد ، در اواخر ماه ژوئن اس سال هنوز ۲۸۵ لشکر نمره‌دار در اختیار داشت . در چهار ماه اخیر مجموعه گردانها و واحدهای بزرگتر از گردان که بدست ارتش آزادیبخش توده‌ای نابود شده‌اند ، بر ۸۳ لشکر بالغ میشود که شامل ۶۳ لشکر کاسل بودند .

بدین ترتیب پروسه جنگ از آنچه بدو پیش‌بینی کرده بودیم ، خیلی کوتاه‌تر خواهد بود . طبق پیش‌بینی سابق ، ما میتوانستیم دولت ارتجاعی گومیندان را در حدود پنج سال - از ژوئیه سال ۱۹۴۶ بعد - بطور قطع از پای در آوریم . اما اینک چنین بنظر میرسد که ما از حال حاضر تا تقریباً یک سال دیگر میتوانیم آنها بطور قطع از پای در آوریم . معذک برای نابودی نیروهای ارتجاعی در کلیه اکناف کشور و تحقق آزادی خلق مدت نسبتاً طولانی‌تری لازم خواهد بود .

دشمن بسرعت از پای در می‌آید . ولی باز لازم است که کمونیستها ، ارتش آزادیبخش توده‌ای و قشرهای مختلف خلق سراسر کشور چون تنی واحد بهم پیوندند و مساعی خویش را دوچندان کنند تا بتوان نیروهای ارتجاعی را بطور قطع و تماماً نابود ساخت و جمهوری توده‌ای واحد و دموکراتیکی در سراسر کشور بنا نهاد .

یادداشتها

۱ - نبرد سوی - چی که نبرد مشرق حه نان نیز نامیده میشود ، بوسیله ارتش آزادیبخش توده‌ای در منطقه کای فن ، سوی سیان و چی سیان در گرفت . نبرد مذکور در ۱۷ ژوئن ۱۹۴۸ آغاز شد . در ۲۲ ژوئن ارتش ما کای فن را

تسخیر کرد . چانکایشك برای آنکه وضعیت بحران نظامی خود را بهبود بخشد ، بجبهه رفت و شخصاً فرماندهی را بدست گرفت ، ارتشهای تحت فرماندهی چيو چینگ چيوان ، او شو نيان و حوان بوه تائو را گرد آورد و از جهات مختلف بحمله برکای فن پرداخت . شش ستون از ارتش صحرائی چین شرقی و دو ستون از ارتش صحرائی دشتهای مرکزی و ستون گوان دون - گوان می ، ارتشهای او شو نيان و حوان بوه تائو را در منطقه سوی سیان - چي سیان بمحاصره انداختند و پس از ۹ روز و ۹ شب نبرد سخت (۲۷ ژوئن تا ۶ ژوئیه) دو لشکر شامل بر شش تیپ از ارتش او شو نيان و همچنین بخشی از ارتش حوان بوه تائو ، مجموعاً بیش از ۹۰,۰۰۰ تن را نابود ساختند . او شو نيان فرمانده ارتش و همچنین شن چن نيان فرمانده هفتاد و پنجمین لشکر تجدید سازمان یافته گومیندان باسارت درآمدند .

۲ - رجوع شود به «رهنمودهائی برای عملیات اپراتیو حوایهای» ، یادداشت ۲ ، جلد حاضر .

۳ - نبردهای جین جو ، چان چون ، لیائوسی و شن یان در شمال شرقی مجموعاً عملیات اپراتیو لیائوسی - شن یان نامیده میشوند . رجوع شود به «رهنمودهائی برای عملیات اپراتیو لیائوسی - شن یان» ، یادداشت ۱ ، جلد حاضر .

رهنمودهائی

برای عملیات اپراتیو بی پین - تیانزین (۱)

(۱۱ دسامبر ۱۹۴۸)

۱ - نیروهای دشمن در جان جیاکو ، سین بائو ان ، حوای لای و همچنین در سراسر منطقه بی پین ، تیانزین ، تان گو و تان شان - باستانی واحد هائی از قبیل بعضی از لشکرهای سپاه ۳۵ ، ۶۲ و ۹۴ که قدرت رزمی شان در دفاع از مواضع استحکامی هنوز قابل توجه است - روحیه تعرضی خیلی ضعیفی دارند و چون پرنده‌ای هستند که تا زه کمان میلرزد ، بهراس سیافتند . بویژه از هنگامیکه شما بجنوب دیوار بزرگ

این متن تلگرافی است که از طرف رفیق مائو تسه دون بنام کمیسیون نظامی انقلابی کمیته مرکزی حزب کمونیست چین خطاب به لین بیائو ، لوه ژون هوان و سایر رفقا تنظیم شده است . عملیات اپراتیو بی پین - تیانزین آخرین عملیات از سه عملیات اپراتیو قطعی جنگ آزادیبخش توده‌ای چین بود . ما طی این عملیات بیش از ۵۲۰,۰۰۰ تن از سپاهیان گومیندان را نابود ساختیم و یا تجدید سازمان دادیم ، شهرهای مهمی مانند بی پین ، تیانزین ، جان جیاکو و غیره را آزاد کردیم و نبرد برای آزادی شمال چین را علی‌الاصول پایان رساندیم . رهنمودهائی که در اینجا بوسیله رفیق مائو تسه دون تنظیم شده است ، با موفقیت کامل بکار بسته شدند .

رسیدید ، چنین شده است . شما هیچگاه نباید بقدرت رزمی دشمن پربها دهید . بعضی از رفقای ما سابقاً از پربها دادن بقدرت رزمی دشمن صدمه دیدند ، ولی پس از آنکه مورد انتقاد قرار گرفتند ، به اشتباه خود پی بردند . اینک دشمن ، خواه در جان جیاکو و خواه در سین بائو ان ، عملاً در محاصره افتاده است و با احتمال قوی مشکل بتواند خط محاصره را بشکند و فرار کند . تقریباً نیمی از نفرات سپاه ۱۶ بسرعت نابود شده است . سپاه ۱۰۴ دشمن در حوای لای سراسیمه بسوی جنوب میگریزد و احتمالاً امروز یا فردا نابود خواهد شد . پس از آنکه چنین شد ، شما باید آماده شوید که ستون ۴ را از جنوب غربی (۲) بشمال شرقی اعزام دارید تا بتواند رابطه میان نان کو و بی پین را قطع کند . بنظر ما این کار آسانی نخواهد بود زیرا که با سپاه ۹۴ و بقایای سپاه ۱۶ بسرعت به بی پین عقب خواهند نشست و با سپاههای ۹۴ ، ۱۶ و ۹۲ بمنظور دفاع مشترک در منطقه نان کو - چان پین - شاهه جن متمرکز خواهند شد . معذک ستون ۴ با این مانور حومه شمال غربی و شمال بی پین را مستقیماً تهدید خواهد کرد و این نیروهای دشمن را میخکوب خواهد نمود و بدین ترتیب آنها دیگر جرأت جنبیدن نخواهند داشت . ولی اگر جرأت کنند و بحرکت خویش بسوی غرب بمنظور کمک به سپاه ۳۰ ادامه دهند ، شما میتوانید یا راه عقب نشینی آنها را مستقیماً قطع کنید و یا بحمله مستقیم به بی پین پردازید . از اینجهت آنها احتمالاً جرأت نخواهند کرد بحرکت خویش بسوی غرب ادامه دهند . ارتش شمال چین ما بفرماندهی یان ده جی ، لوه ژوی چینگ و گن یائو که هم اکنون ۹ لشکر برای محاصره ۳ لشکر از سپاه ۳۰ دشمن بکار برده است ، برتری مطلق دارد . آنها پیشنهاد کرده اند که این لشگرهای دشمن

را هر چه زودتر نابود سازند . ولی ما از آنها میخواهیم عجلتاً حمله نکنند تا آنکه سپاهیان دشمن در بی بین و تیائزین بمانند و در تصمیم خود درباره فرار از راه دریا دچار تردید شوند . آنها دو ستون را برای محاصره سپاه ۳۵ بکار انداخته‌اند و يك ستون دیگر را برای جلوگیری از سپاه ۱۰۴ گمارده‌اند ، و این هر دو سپاه دشمن دفع شده‌اند .

۲ - ما با شما موافقیم که ستون پنجم را بیدرنگ بحوالی نان کو بفرستید تا دشمن را در بی بین ، نان کو و حوای ژو از شمال شرقی تهدید کند . ستون مذکور در این منطقه باقی خواهد ماند تا آنکه بعداً (پس از ۱۰ تا ۱۵ روز که سپاه ۳۵ بوسیله ارتش شمال چین بفرماندهی یان ده جی ، لوه ژوی چینگ و گن یائو نابود شود) ستون ۴ شما آزاد گردد و در مشرق مورد استفاده قرار گیرد . از اینجبهت فرمان بدهید که ستون پنجم از همین امروز حرکت خود را بسوی مغرب ادامه دهد .

۳ - ستون سوم در هیچ حالی نباید به نان کو برود بلکه باید طبق تلگراف مورخ نهم ما بسوی منطقه مشرق بی بین و جنوب تون سیان حرکت نماید تا آنکه بی بین را از مشرق مورد تهدید قرار دهد ، همراه ستون‌های ۴ ، ۱۱ ، ۹ و ۵ بی بین را بمحاصره در آورد .

۴ - معذک هدف واقعی ما اول محاصره بی بین نیست بلکه محاصره تیائزین ، تان گو ، لوتای و تان شان است .

۵ - طبق پیش‌بینی‌های ما ، ستونهای ۱۰ ، ۹ ، ۶ ، ۸ و همچنین ستون توپخانه و ستون ۷ شما در حوالی ۱۵ دسامبر در منطقه‌ای که یوتیان مرکز آنست ، جمع خواهند شد . ما پیشنهاد میکنیم که با يك حرکت برق‌آسا در فاصله ۲ تا ۲۵ دسامبر شش ستون - ستون ۳ (که باید از حومه شرقی بی بین بسوی مشرق برود) ۶ ، ۷ ، ۸ ، ۹ و ۱۰ -

را بکار اندازید تا دشمن را در تیائزین ، تان گو ، لوتای و تان شان محاصره کنند ، البته مشروط بر اینکه در آنموقع وضعیت دشمن در این شهرها تقریباً مانند امروز باشد . شیوه عمل باید این باشد که ۲ ستون در منطقه لان فان - حه سی او - یان تسون که مرکز آن او چینگ است ، گماشته شوند و ۵ ستون بصورت گوه در شکافهای بین تیائزین ، تان گو ، لوتای ، تان شان و گویه فرو روند ، تا آنکه رابطه میان نیروهای دشمن قطع گردد . برای جلوگیری از فرار نیروهای دشمن باید هر يك از این ستونها در دو جناح خویش موضع سماعتی بگیرند ، و آنکه باستراحت و تقویت پردازند و پس از آنکه خستگی در کردند ، بر چند گروه کوچک دشمن حمله برند و آنها را نابود سازند . در این اثنا ستون چهارم باید از شمال غربی بمشرق بی بین برود . پیش از آنکه ستون چهارم جابجا شود ، ارتش شمال چین بفرماندهی یان ده جی ، لوه ژوی چینگ و گن یائو باید دشمن در سین بائوان را نابود کند . در مشرق ، برحسب اوضاع و احوال باید کوشید در درجه اول دشمن در تان گو را نابود ساخت و این بندر را تحت نظارت در آورد . اگر این دو نقطه یعنی تان گو (مهمترین نقطه) و سین بائوان را بگیرید ، بر تمام عرصه جنگ مسلط خواهید شد . آرایش قوا بطرز فوق الذکر در واقع محاصره عمومی دشمن در جان جیاکو ، سین بائوان ، نان کو ، بی بین ، حوای ژو ، شون ای ، تون سیان ، ون بین (جوه سیان ، لیان سیان از هم اکنون در دست ما هستند) فون تای ، تیائزین ، تان گو ، لوتای ، تان شان و کای بین است .

۶ - این شیوه در خطوط کلی مثل همان شیوه ای است که شما در موقع عملیات در طول خط ای سیان ، جین جو ، جین سی ، سین چن ، سوی جون ، شان های گوان و لوان سیان بکار بردید (۳) .

- ۷ - از امروز تا ۲ هفته دیگر (۱۱ - ۲۵ دسامبر) اصل عمده عبارتست از محاصره بدون در هم کوبیدن (در مورد جان جیاکو و سین بائوان) و در بعضی موارد قطع رابطه بدون محاصره (در مورد بی بین ، تیائزین و تون جو باید محاصره استراتژیک را عملی ساخت و رابطه بین نیروهای دشمن را قطع کرد ، بدون هیچ گونه محاصره تاکتیکی) تا آنکه بتوان پس از تکمیل آرایش قوا نیروهای دشمن را یکایک نابود ساخت . بویژه نباید نیروهای دشمن در جان جیاکو ، سین بائوان و نان کو را نابود سازید زیرا که این امر دشمن در مشرق نان کو را مجبور خواهد ساخت ، بیدرنگ تصمیم به گریز بگیرد . باین نکته باید پی ببرید .
- ۸ - برای اینکه چانکایشک در انتقال سپاهیان خویش از راه دریا از منطقه بی بین - تیائزین بسوی جنوب باتخاذ تصمیم سریع مجبور نشود ، به لیو بوه چن ، دن سیائو بین ، چن ای و سو یو دستور خواهیم داد که پس از آنکه ارتش حوان وی را نابود ساختند ، به بقایای ارتشهای چپو چینگ حیوان و لی سی و سون یوان لیان تحت فرماندهی دو یوسین دست نزنند (تقریباً نیمی از آنها هم اکنون نابود شده‌اند) و تا مدت دو هفته برای آرایش قوا بمنظور نابودی نهائی آنها اقدام نکنند .
- ۹ - برای اینکه از فرار دشمن بسوی چینگ دائو ممانعت کنیم ، به نیروهای خویش در شان دون دستور خواهیم داد که تعدادی از واحدهای خود را برای نظارت بر بخشی از رودخانه زرد واقع در نزدیکی جی نان متمرکز سازند و در طول خط راه آهن چینگ دائو - جی نان تدارک ببینند .
- ۱۰ - اسکان اینکه دشمن بسوی سیو جو ، جن جو ، سی ان یا سوی یوان بگریزد ، منتفی است و یا تقریباً منتفی است .

۱۱ - یگانه ترس ما و یا ترس عمده ما اینستکه دشمن از راه دریا بگریزد . از اینجهت در دو هفته آینده بطور کلی باید به شیوه محاصره بدون درهم کوبیدن و یا قطع رابطه بدون محاصره دست زد .

۱۲ - این نقشه خارج از انتظار دشمن است و تا زمانیکه آرایش قوای شما بطور قطع صورت نگیرد ، برای او خیلی دشوار است که بتواند حلسی بزند . اکنون دشمن احتمالاً حساب میکند که شما به بی بین حمله خواهید کرد .

۱۳ - با آنکه دشمن چون پرنده‌ای است که تا زه کمان میلرزد ، بهراس سی افتد باز بفعالیت و تحرك ارتش ما کم بها میدهد و به نیروی خود بیش از آنچه که هست ، ارزش میگذارد . دشمن در بی بین و تیانزین هرگز گمان نخواهد کرد که شما میتوانید آرایش قوا را بطرز بالا پیش از ۲۵ دسامبر عملی سازید .

۱۴ - برای آنکه این آرایش قوا پیش از ۲۵ دسامبر عملی گردد ، باید در عرض دو هفته آینده سپاهیان خود را تشویق کنید که خستگی را فراموش کنند ، از کم شدن تفرات نهراسند ، از سرما و گرمگی باك نداشته باشند . و آنکه که این آرایش قوا عملی گردد ، میتوانند بااستراحت و تقویت واحدها پردازند و وقت کافی برای حمله داشته باشند .

۱۵ - حمله تقریباً باین ترتیب صورت خواهد گرفت : اول منطقه تان گو - لوتای ، دوم سین بائو ان ، سوم منطقه تان شان ، چهارم مناطق تیانزین و جان جیا کو و سرحله آخر منطقه بی بین .

۱۶ - نظر شما درباره نقشه‌ای که در بالا مطرح شد چیست ؟ کمبودهای آن کدام است ؟ چه اشکالاتی در اجرای این نقشه موجود است ؟ همه اینها را بررسی نمائید و جواب خود را تلگراف کنید .

یادداشتها

۱ - عملیات اپراتیو بی پین - تیائزین تحت فرماندهی لین بیائو ، لوه ژون هوان ، نیه ژون جن و رفقای دیگر بوسیله ارتش صحرائی شمال شرقی و دو ارتش چین شمالی ارتش آزادیبخش توده‌ای که متفقاً عمل میکردند ، صورت گرفت . این عملیات بلافاصله پس از آنکه عملیات اپراتیو لیائوسی - شن یان در شمال شرقی با پیروزی پایان یافت ، در دهه اول ماه دسامبر ۱۹۴۸ آغاز گردید . طبق دستورات رفیق مائو تسه دون ارتش صحرائی شمال شرقی پس از آنکه مأموریت خویش را در رهائی شمال شرقی پیروزمندانه پایان رسانید ، بسرعت بجنوب دیوار بزرگ رفت و بارتشهای چین شمالی ارتش آزادیبخش توده‌ای پیوست تا سپاهیان گومیندان را در شمال چین بمحاصره در آورد و آنها را نابود سازد . سپاهیان گومیندان که پیش از ۶۰۰,۰۰۰ تن و تحت فرماندهی فو زوه ای ، فرمانده کل ستاد گومیندان در چین شمالی برای " سرکوب راهزنان " قرار داشتند و از پیروزی ارتش آزادیبخش توده‌ای در شمال شرقی سراسیمه شده بودند ، شتابزده بکوتاه کردن خطوط دفاعی پرداختند ، باین خیال که از طریق دریا بسوی جنوب و یا از سمت مغرب بسوی استان سوی یوان بگریزند . ارتش ما با سرعت صاعقه آسا قوای دشمن را از هم تجزیه کرد و آنها را جدا جدا در ۵ نقطه اتکاء - بی پین ، تیائزین ، جان جیاکو ، سین بائو ان وتان گو - بمحاصره در آورد و باین طریق راه فرار دشمن را بسوی جنوب و مغرب مسدود ساخت . ۲۲ دسامبر ستاد کل و ۲ لشکر از سپاه ۳۵ که نیروهای عمده دشمن بودند ، در سین پائو ان بمحاصره در آمدند و نابود شدند . ۲۴ دسامبر جان جیاکو تصرف شد . ستاد کل يك سپاه و ۷ لشکر از ارتش ۱۱ دشمن یعنی مجموعاً ۵۴,۰۰۰ نفر که پادگان شهر را تشکیل میدادند ، بکلی نابود گشتند . ۱۴ ژانویه ۱۹۴۹ پس از آنکه چن چان جیه فرمانده پادگان تیائزین از تسلیم اسلحه خودداری کرد ، سپاهیان ما که آن شهر را در محاصره داشتند ، به تعرض عمومی پرداختند . شهر پس از بیست و نه ساعت نبرد شدید آزاد شد ، تمام پادگان دشمن که بالغ بر ۱۳۰,۰۰۰ تن میشد ، نابود و چن چان جیه اسیر گشت . در نتیجه تمام پادگان دشمن در بی پین که متجاوز از ۲۰۰,۰۰۰ تن وسخت در محاصره سپاهیان ما بود ، به بن بست افتاد . پادگان دشمن در بی پین بفرماندهی ژنرال فو زوه ای در اثر کوششهایی که در جلب او بکار بردیم ، حاضر شد

بوجه مسالمت‌آمیز تجدید سازمان یابد . ۳۱ ژانویه سپاهیان ما وارد بی پین شدند و آزادی مسالمت‌آمیز آن شهر اعلام گردید . باین طریق عملیات اپراتیو بی پین - تیائزین پیروزمندانه پایان یافت . طی این عملیات که فقط پادگان دشمن در نان گو بتعداد کمی بیش از ۵۰,۰۰۰ تن توانست از راه دریا بگریزد ، ارتش آزادیبخش توده‌ای بیش از ۵۲۰,۰۰۰ نفر از سپاهیان گومیندان را نابود ساخت و با تجدید سازمان داد . در سپتامبر ۱۹۴۹ سپاهیان گومیندان در استان سوی یوان با تلگراف اطلاع دادند که قیام کرده و بصفوف ما می‌پیوندند و حاضرند که تجدید سازمان یابند .

۲ - اشاره است به منطقه جنوب غربی نان گو .

۳ - در سپتامبر ۱۹۴۸ بمنظور جلوگیری از اینکه نیروهای دشمن در ای سیان ، جین جو ، جین سی ، سین چن ، سوی جون ، شان های گوان ، لوان سیان و چان لی بکوتاه کردن خطوط و متمرکز شدن دست بزنند ، ارتش صحرائی شمال شرقی که در آنموقع در طول راه آهن بی پین - لیائو نین که همه این شهرها بر روی آن قرار دارند ، عمل میکرد ، شیوه‌ای را اتخاذ کرد که عبارت بود از بکار انداختن قسمتی از سپاهیان خود برای محاصره واحدهای دشمن و قطع رابطه آنها با یکدیگر در شهرهای نامبرده و سپس نابود ساختن یکایک آنها .

پیام به دو یومین و دیگران در دعوت آنها به تسلیم

(۱۷ دسامبر ۱۹۴۸)

ژنرال دو یومین ، ژنرال چو چینگ چیون ، ژنرال لی سی و شما فرماندهان سپاهها ، لشکرها و هنگهای ارتشهای تحت فرماندهی ژنرال چو چینگ چیون و ژنرال لی سی :

شما در وضعیت بسیار اسفناکی افتادهاید . ارتشهای حوان وی در شب ۱۵ بکلی نابود شدهاند . ارتشهای لی یین نیان عقب گرد کرده و بسوی جنوب گریختهاند . دیگر هیچ امید نیست که شما بآنها پیوندید . آیا میخواهید محاصره را در هم بشکنید ؟ چطور خواهید توانست و حال آنکه ارتش آزادیبخش توده‌ای از هر سو شما را فرا گرفته است ؟ کوششهایی که این روزهای آخر برای در هم شکستن محاصره بکار بردید چه نتیجه داد ؟ هواپیماها و تانکهای شما نیز بیفایدهاند . ما بیش از شما

پیامی است که بوسیله رفیق مانو تسه دون بنام فرماندهی ارتش آزادیبخش توده‌ای دشت‌های مرکزی و چین شرقی تنظیم شد و از رادیو پخش گردید .

هواپیما و تانک داریم . هواپیما و تانک ما توپخانه‌ها و افزارهای انفجاری است که مردم آنها را "هواپیما و تانک ساخت خود" مینامند . آیا اینها ده مرتبه وحشتناک‌تر از هواپیماها و تانک‌های ساخت خارجه شما نیست؟ کار ارتش‌های سون یوان لیان تمام است و در دو گروه دیگر از ارتشهای شما بیش از نیمی از افراد یا زخمی و یا اسیر شده‌اند . شما کارمندان کثیر و ناهمگونی را که متعلق به ادارات مختلف بوده‌اند و تعداد زیادی از دانشجویان جوان را از سیوجو آورده‌اید تا بزور در ارتش خویش جای دهید ، ولی چطور توقع دارید که اینان قادر به نبرد باشند؟ مواضع شما که از ده و چند روز پیش در حلقه‌های محاصره ما در آمده و ضربات مکرر دیده بسیار کاهش یافته‌است . فضائی که شما در اختیار دارید بقدری تنگ است که بزحمت از ده لی در عرض و در عمق تجاوز میکند و بقدری آدم در این فضا جمع شده که تنها یک خمپاره ما میتواند عده کثیری را بقتل آورد . سربازان مجروح و همچنین خانواده‌هایی که بدنبال شما آمده‌اند به زاری افتاده‌اند . سربازان شما و عده‌ای از کادرهای شما نمیخواهند دیگر بجنگند . شما ، معاون فرماندهی کل ، فرماندهان ارتش‌ها ، سپاه‌ها ، لشکرها ، هنگ‌ها ، شما باید در اندیشه زبردستان خود و خانواده آنها باشید ، زندگی آنها را بیابید ، هر چه زودتر راه نجاتی برای آنها بیابید و از فرستادن آنها بمرگ بیهوده باز ایستید .

اینک که ارتشهای جوان وی کاملاً نابود شده و ارتشهای لی یین نیان بسوی بان بو گریخته‌اند ما میتوانیم برای حمله بر شما نیروهائی چندین برابر نیروهای شما متمرکز گردانیم . این بار ما فقط ، ۴ روز نبرد کرده‌ایم و هم اکنون شما ، ۱ لشکر بفرماندهی جوان بوه تائو ، ۱۱ لشکر بفرماندهی جوان وی ، ۴ لشکر بفرماندهی سون یوان لیان ،

۴ لشکر فرماندهی فون جی ان ، ۲ لشکر فرماندهی سون لیان چن ،
 ۱ لشکر فرماندهی لیو ژو مین ، ۱ لشکر در سوسیان و ۱ لشکر در لین
 بی ، مجموعاً ۳ لشکر تمام از دست داده‌اید . از میان اینها ۳ لشکر
 و نیم برهبری حه جی فون و جان که سیا و یک لشکر برهبری لیائو یون
 جو سر به شورش برداشته و بما پیوستند . یک لشکر برهبری سون لیان
 چن و دو نیم لشکر که بترتیب تحت رهبری جائو بی گوان و حوان زی
 هوا بودند تسلیم شدند و بما پیوستند (۱) . و ۲۷ لشکر و نیم دیگر بوسیله
 ارتش ما بکلی نابود شدند . شما بچشم خود مرنوشت ارتشهای حوان بوه
 تائو ، ارتشهای حوان وی و ارتشهای سون یوان لیان را دیده‌اید .
 شما باید از ژنرال جن دون گوه در چان چون (۲) و از فرمانده سپاه سون
 لیان چن و از فرماندهان لشکر جائو بی گوان و حوان زی هوا در اینجا
 سرمشق بگیرید و بیدرتنگ بسپاهیان خود دستور دهید که اسلحه بزمین
 بگذارند و از مقاومت دست بردارند . زندگی و امنیت همه شما — فرماندهان
 عالیرتبه — و همه افسران و سربازان محفوظ خواهد بود ، ارتش ما آن
 را ضمانت میکند . این یگانه راه نجات شماست . بیندیشید ! اگر آن
 را صحیح میدانید بدان عمل کنید . اگر باز هم در صدد زور آزمائی هستید
 بفمائید . در هر صورت کار شما ساخته‌است (۳) .

فرماندهی ارتش آزادیبخش توده‌ای دشت‌های مرکزی
 فرماندهی ارتش آزادیبخش توده‌ای چین شرقی

یادداشتها

۱ - حه جی فون و جان که سیا ، معاونان فرماندهی سومین منطقه استقرار

آرامش از مناطق گومیندان در ۸ نوامبر ۱۹۴۸ در بخش جیا وان در شمال شرقی سیو جو در طی نخستین مرحله عملیات اپراتیو هوای های بر علیه گومیندان سر بشورش برداشتند و در رأس ستاد کل سپاه ۴ لشکر و یک هنگ یعنی مجموعاً ۲۰,۰۰۰ نفر بارتش آزادیبخش توده‌ای پیوستند. لیائو یون جو فرمانده لشکر ۱۱۰ سپاه ۸۵ گومیندان در ۲۷ نوامبر ۱۹۴۸ در لوه جی در جنوب غربی سو سیان از استان ان هوی در طی دومین مرحله عملیات اپراتیو هوای های بر علیه گومیندان سر بشورش برداشت و در رأس ستاد کل لشکر خویش و ۲ هنگ یعنی مجموعاً ۵,۵۰۰ نفر بارتش آزادیبخش توده‌ای پیوست. سون لیان چن معاون فرماندهی یکمین منطقه استقرار آرامش از مناطق گومیندان و فرمانده سپاه ۱۰۷ در ۱۳ نوامبر ۱۹۴۸ در شمال غربی سوی نین از استان جیان سو در طی نخستین مرحله عملیات اپراتیو هوای های تسلیم شد و در رأس ستاد کل سپاه خویش و یک لشکر یعنی مجموعاً ۵,۸۰۰ نفر به ارتش آزادیبخش توده‌ای پیوست. جائو بی گوان، فرمانده لشکر ۱۵۰ سپاه ۴۴ گومیندان در ۱۸ نوامبر ۱۹۴۸، در ناحیه نیان جوان در مشرق سیو جو از استان جیان سو، در طی نخستین مرحله عملیات اپراتیو هوای های با بیش از ۲,۰۰۰ نفر که از سپاهیان باقی مانده بودند تسلیم شد و به ارتش آزادیبخش توده‌ای پیوست. حوان زی هوا، فرمانده لشکر ۲۳ سپاه ۸۵ گومیندان، در دسامبر ۱۹۴۸ در شوان دوی جی در شمال شرقی مون چن از استان ان هوی، در طی دومین مرحله عملیات اپراتیو هوای های تسلیم شد و در رأس ستاد کل لشکر و آنچه از ۲ هنگ باقیمانده بود به ارتش آزادیبخش توده‌ای پیوست.

۲ - چان چون از زمستان ۱۹۴۷ بمحاصره ارتش آزادیبخش توده‌ای شمال شرقی در آمد. پس از آنکه جین جو گرفته شد و آنگاه که همه سپاهیان دشمن در شمال شرقی بتزلزل افتاده بودند جن دون گوه فرمانده سپاهیان گومیندان در چان چون و معاون ستاد کل شمال شرقی برای "امحاء راهزنان" در رأس واحدها و دواثری که مستقیماً تابع ستاد کل ارتش‌های یکم بودند و تحت فرماندهی او قرار داشتند و همچنین کلیه افسران و سربازان سپاه هفتم جدید در ۱۹ اکتبر ۱۹۴۸ اسلحه بزمین گذاشت.

۳ - با وجود توصیه‌هایی که در این پیام شده است دو یو مین معاون ستاد کل گومیندان برای "امحاء راهزنان" در سیو جو، چيو چینگ چيون، فرمانده دومین گروه ارتش‌های گومیندان، و لی می فرمانده سیزدهمین گروه ارتش‌های گومیندان به مقاومت نومیدانه ادامه دادند و این امر منجر شد به نابودی کلیه سپاهیان آنها بوسیله تعرض پرتوان ارتش ما. دو یو مین اسیر شد. چيو چینگ چيون بقتل رسید. فقط لی می توانست بگریزد.

انقلاب را بسرانجام برسانیم

(۳۰ دسامبر ۱۹۴۸)

اکنون حتی دشمنان ما هم در اینکه خلق چین در جنگ کبیر آزادیبخش به پیروزی نهائی خواهد رسید ، شك و تردیدی ندارند . جنگ جریان پر فراز و نشیبی را پیموده است . هنگامیکه دولت مرتجع گومیندان جنگ ضد انقلابی را بر پا کرد ، ارتشی تقریباً سه برابر و نیم ارتش آزادیبخش توده‌ای تحت فرمان داشت ؛ تجهیزات نظامی و نیروی انسانی و ذخایر مادی ارتش آن بر ارتش آزادیبخش توده‌ای بمراتب میچربید و صنایع و وسایل حمل و نقل مدرنی در اختیار داشت که ارتش آزادیبخش توده‌ای فاقد همه آنها بود و علاوه بر این ، کمکهای نظامی و اقتصادی هنگفتی از امپریالیسم آمریکا دریافت میکرد و از مدتها پیش خود را برای جنگ آماده کرده بود . بدینجهت در اولین سال جنگ (از ژوئیه سال ۱۹۴۶ تا ژوئن سال ۱۹۴۷) گومیندان در حال تعرض و ارتش آزادیبخش توده‌ای در حال دفاع بود . گومیندان در سال ۱۹۴۶

اثر حاضر پیامی است که رفیق مائو تمه دون بمناسبت فرا رسیدن سال نو ۱۹۴۹ برای خبرگزاری سین هوا نوشته است .

مناطق زیر را بتصرف خود در آورد : در شمال شرقی شهرهای شن یان ، سی پین ، چان چون ، جی لین ، ان دون و شهرهای دیگر و بخش اعظم استانهای لیائو نین ، لیائو به و ان دون (۱) ؛ در جنوب رودخانه زرد شهرهای حوای بین و حه زه و غیره و بخش اعظم مناطق آزاد شده حو به - حه نان - ان هوی ، جیان سو - ان هوی ، حه نان - ان هوی - جیان سو و جنوب غربی شان دون ؛ در شمال دیوار بزرگ شهرهای چن ده ، جی نین ، جان جیاکو و شهرهای دیگر و بخش اعظم استانهای ژه هه ، سوی یوان ، چاهار . گومیندان سرست از باده پیروزی پایکویان چون قهرمانی فاتح بخود سیبالیید . در چنین وضعی ارتش آزادیبخش توده‌ای با اتخاذ استراتژی صحیحی که هدف عمده‌اش بعوض حفظ و نگهداری مناطق تصرفی نابودی قوای مؤثر گومیندان بود ، همه ماهه بطور متوسط تقریباً هشت تیپ (برابر با هشت لشکر کنونی) از ارتش منظم گومیندان را نابود ساخت . در نتیجه ، گومیندان مجبور گردید که از نقشه حمله عمومی خود صرف نظر کند ، و در نیمه اول سال ۱۹۴۷ ناگزیر گشت هدف اصلی حمله خود را بدو جناح جبهه جنوبی یعنی شان دون و شمال شنسی محدود سازد . در سال دوم (از ژوئیه ۱۹۴۷ تا ژوئن ۱۹۴۸) تغییری ریشه‌ای در جریان جنگ پدید آمد . ارتش آزادیبخش توده‌ای پس از نابود ساختن تعداد کثیری از افراد ارتش منظم گومیندان ، در جبهه‌های جنوبی و شمالی از دفاع به تعرض پرداخت ، در صورتیکه گومیندان مجبور شد از حمله بدفاع روی آورد . ارتش آزادیبخش توده‌ای نه فقط موفق شد اکثر مناطقی را که در شمال شرقی و شان دون و شمال شنسی از دست داده بود ، بازستاند ، بلکه امکان یافت جبهه جنگ را به مناطق گومیندان یعنی بشمال رودخانه یان تسه و رودخانه وی بسط دهد .

بعلاوه ارتش ما در جریان حمله و تصرف شهرهای شی جیا جوان ، یون چن ، سی پین ، لوه یان ، ای چوان ، پائوجی ، وی سیان ، لین فن و کای فون تاکتیک هجوم به استحکامات را فرا گرفت (۲) . ارتش آزادیبخش توده‌ای در این موقع واحدهای توپخانه و مهندسی خود را تشکیل داد . ولی فراموش نشود که ارتش آزادیبخش توده‌ای نه هواپیمائی در اختیار داشت و نه تانکی ، معینا پس از تشکیل واحدهای توپخانه و مهندسی خود که بر واحدهای توپخانه و مهندسی گومیندان برتری داشتند ، سیستم دفاعی گومیندان با تمام هواپیماها و تانکهایش ارزش خود را از دست داد . ارتش آزادیبخش توده‌ای علاوه بر جنگهای متحرك ، اکنون قادر است به جنگهای موضعی نیز پردازد . در نیمه اول سومین سال جنگ (از ژوئیه تا دسامبر سال ۱۹۴۸) تغییر ریشه‌ای دیگری بوقوع پیوست . ارتش آزادیبخش توده‌ای که مدتها از نظر کمی ضعیف بود ، در این زمینه نیز تفوق پیدا نمود و نه فقط موفق به تصرف شهرهای مستحکم گومیندان گردید ، بلکه توانست واحدهای بزرگ صد هزار نفری و حتی چند صد هزار نفری نیروهای نظامی زبده گومیندان را یکجا محاصره و نابود سازد . جریان قلع و قمع نیروهای نظامی گومیندان بوسیله ارتش آزادیبخش توده‌ای بمراتب سریعتر انجام میگرفت . نظری به آمار واحدهای منظم گومیندان - از گردان بیالا - که بوسیله ما از پا در آمده‌اند (منجمه نیروهای نظامی دشمن که قیام کرده و بما ملحق گشته‌اند) نشان میدهد که در سال اول از ۹۷ تیپ ۴۶ و در سال دوم از ۹۴ تیپ ۵۰ و نیمه اول سال سوم طبق آمار تقریبی از ۱۴۷ لشکر ۱۱۱ لشکر بطور کامل منهدم گردیده‌اند (۳) . در ظرف این شش ماه ۱۵ لشکر دشمن بیش از مجموعه تلفات دو سال اخیرش نابود شده‌اند .

جبهه دشمن از نظر استراتژیک دیگر کاملاً در هم شکسته شده است . نیروهای نظامی دشمن در شمال شرقی بکلی نابود گردیده‌اند و در شمال چین نیز بزودی در هم کوبیده خواهند شد و فقط تعداد کمی از آنها در مشرق و در دشتهای مرکزی چین هنوز باقی مانده‌اند . نابودی نیروهای عمده ارتش گویندگان در شمال رودخانه یان تسه ، عبور ارتش آزادیبخش توده‌ای را از آن رودخانه و پیشروی آنرا بطرف جنوب برای آزادی سراسر چین خیلی آسانتر کرده است . در عین حال خلق چین همانطور که در زمینه نظامی پیروز گردیده ، در جبهه‌های سیاسی و اقتصادی نیز موفقیت‌های شایان توجهی کسب نموده است . باین دلیل افکار عمومی سراسر جهان و حتی مطبوعات امپریالیستی هم دیگر هیچ شك و تردیدی در پیروزی سرتاسری جنگ آزادیبخش خلق چین ندارند .

دشمن خود بخود از بین نمی‌رود . نه مرتجعین چینی و نه نیروهای متجاوز امپریالیسم آمریکا در چین هیچکدام بدلیخواه خود از صحنه تاریخ خارج نخواهند شد . آنها درست باین علت که پی برده‌اند از طریق مبارزه صرفاً نظامی قادر بجلوگیری از پیروزی سرتاسری جنگ آزادیبخش خلق چین نیستند ، روز بروز وزنه عمده مبارزه خود را بیشتر بر مبارزه سیاسی مینهند . مرتجعین چینی و متجاوزین آمریکائی از یکسود دولت فعلی گویندگان را برای اجرای توطئه‌های "صلح" خود مورد استفاده قرار میدهند و از سوی دیگر سعی میکنند از بعضی‌ها که هم با آنها و هم با اردوگاه انقلاب مربوطند ، سوءاستفاده نمایند ، این اشخاص را به فعالیت‌های حيله گرانه تحريك و تهییج کنند تا بتوانند بداخل صفوف اردوگاه انقلاب رخنه کرده و در آنجا يك باصطلاح فراکسیون مخالف تشکیل دهند ؛ منظور از این عمل حفظ نیروهای ارتجاع و نابودی نیروهای انقلاب

است . طبق اخبار موثق دولت آمریکا تصمیم به انجام چنین توطئه‌ای گرفته و هم اکنون در چین مشغول اجرای آنست . دولت آمریکا سیاست پشتیبانی محض از جنگ ضد انقلابی گومیندان را با دو شکل جدید مبارزاتی عوض کرده است که عبارتند از :

۱ - تشکیل بقایای نیروهای نظامی گومیندان و باصطلاح نیروهای محلی برای ادامه مقاومت در برابر ارتش آزادیبخش توده‌ای در جنوب رودخانه یان تسه و در استانهای مرزی دور افتاده ؛

۲ - تشکیل يك فراکسیون مخالف در داخل اردوگاه انقلاب بخاطر متوقف ساختن انقلاب در چارچوب کنونی با تمام وسایل ممکن و یا در صورت پیشرفت انقلاب تعدیل آن و جلوگیری از تجاوز بیش از حد بمنافع امپریالیستها و مگهای زنجیری آنان . امپریالیستهای انگلیس و فرانسه هم از این سیاست آمریکا پشتیبانی میکنند . عده زیادی هنوز بروشنی این وضع را درك نمیکنند ، اما طولی نخواهد کشید که آنها هم متوجه شوند .

مسئله‌ایکه اکنون در برابر خلق چین ، کلیه احزاب دموکراتیک و تمام سازمانهای توده‌ای قرار گرفته ، اینستکه آیا باید انقلاب را برانجام رسانید ، یا اینکه باید در نیمه راه از آن دست کشید ؟ اگر بایستی انقلاب باخر رسانده شود ، آنوقت باید با استفاده از طرق گوناگون انقلابی کلیه نیروهای ارتجاع را با قطعیت ، از بیخ و بن و بطور تمام و کمال نابود سازیم و با پیگیری و استواری تمام در جهت اضمحلال امپریالیسم ، فئودالیسم و سرمایه‌داری بوروکراتیک کوشش کنیم ، سلطه ارتجاعی گومیندان را در مراسم کشور بر افکنیم و جمهوری

دیکتاتوری دموکراتیک خلق را تحت رهبری پرولتاریا و بر اساس اتحاد کارگران و دهقانان بنا نهیم . فقط از این طریق است که ملت چین میتواند با آزادی کامل دست یابد ، کشور از یک نیمه مستعمره به کشوری کاملاً مستقل بدل گردد ، خلق چین آزادی واقعی بیابد و ظلم فئودالی و مسم سرماییه بوروکراتیک (سرماییه انحصاری چینی) را برای همیشه ریشه کن کند و بدین ترتیب به صلحی براساس وحدت و دموکراسی دست یابد و شرایط لازم را بوجود آورد تا چین از یک کشور فلاحتی به کشوری صنعتی تبدیل شود و بدینسان امکان گذار جامعه مبتنی بر بهره‌کشی انسان از انسان به جامعه سوسیالیستی فراهم گردد . ولی قطع انقلاب در نیمه راه بمعنای سرپیچی از اراده مردم و تسلیم شدن در برابر خواست تجاوزکاران خارجی و مرتجعین چینی و فرصت دادن به گومیندان برای التیام زخمهایش خواهد بود تا بتواند روزی با هجوم ناگهانی خود انقلاب را خفه کند و سرتاسر کشور را مجدداً بمحاق تاریکی و خفقان افکند . پس اکنون مسئله کاملاً روشن و جدی بدینصورت مطرح میگردد : کدامیک از ایندو راه باید برگزید ؟ هر حزب دموکراتیک و هر سازمان توده‌ای چین باید در این مسئله تعمق کند و با انتخاب یکی از این دو راه موضع خود را روشن نماید . همکاری صادقانه احزاب دموکراتیک و سازمانهای توده‌ای چین بدون اینکه در نیمه راه از هم جدا شوند ، بستگی دارد بنظر موافق آنان در این مسئله و آمادگی آنها برای وحدت عمل جهت درهم کوبیدن دشمن مشترک خلق چین . در اینجا نیاز به وحدت و همکاری است ، نه ایجاد یک "فراکسیون مخالف" و یا برگزیدن یک "راه میانه" (۴) .

آیا در طول مدتی بیش از بیست سال یعنی از کودتای ضد انقلابی

۱۲ آوریل سال ۱۹۲۷ تاکنون هنوز باندازه کافی ثابت نشده است که مرتجعین چینی بسرکردگی چانگ‌پشک جلادانی هستند که دستشان تماماً بخون انسانها آغشته و در آدمکشی از هیچ عملی ابا ندارند؟ آیا باندازه کافی اثبات نشده است که آنها مگهای زنجیری امپریالیسم و میهن‌فروشان حرفه‌ای هستند؟ خودتان قضاوت کنید، خلق چین چه پس از حادثه سی ان در دسامبر سال ۱۹۳۶ و چه پس از مذاکرات چون چینگ در اکتبر سال ۱۹۴۵ و چه پس از کنفرانس مشورتی سیاسی در ژانویه سال ۱۹۴۶، بامید استقرار صلح داخلی، چقدر بزرگواری در حق این راهزنان بخرج داده‌است. ولی آیا این همه خوش نیتی و صداقت حتی باندازه سرموئی در خصلت طبقاتی آنها تغییری داده است؟ اصولاً تاریخ زندگی هیچیک از این راهزنان از امپریالیسم آمریکا جدا شدنی نیست. آنها با اتکاء بامپریالیسم آمریکا ۴۷۵ میلیون از هموطنان ما را به جنگ داخلی پرداخته و سخت‌سابقه‌ای کشانده‌اند و میلیونها مرد و زن، پیر و جوان را با بمب افکن‌ها و هواپیماهای جنگنده، توپ و تانک، بازوکار و تفنگهای خودکار، بمبهای آتش‌زا و گازهای سمی و سایر سلاحهای کشنده ساخت آمریکا بقتل رسانده‌اند. امپریالیسم آمریکا با اتکاء باین جانیان، برای خود حقوق ویژه‌ای نسبت بخواک چین، آبهای ساحلی و فضای کشور ما غصب کرده و کشتیرانی داخلی را با زور تحت کنترل خود در آورده، استیازات فوق‌العاده‌ای در مورد امور تجارتي و در سیاست داخلی و خارجی چین تحصیل نموده و حتی حق یافته است در صورت ضرب و شتم مردم تا حد مرگ و قتل در نتیجه تصادف با اتومبیل و تجاوز بناموس زنان مصونیت قضائی داشته باشد. آیا در چنین وضعی میتوان از خلق چین که مجبور بجنگی طولانی

و خونین گردیده ، انتظار داشت که باز هم نسبت باین دشمنان شریر و منفور از خود محبت و دوستی نشان دهد و همه آنها را منهدم و نابود نسازد و یا از کشور بیرون نراند ؟ خلق چین فقط در صورتی میتواند باستقلال ، دموکراسی و صلح دست یابد که مرتجعین چینی را کاملاً نابود کرده و نیروی متجاوز امپریالیسم آمریکا را از کشور بیرون رانده باشد . آیا حقیقت هنوز بقدر کافی روشن و واضح نیست ؟

جالب توجه اینجاستکه اکنون همه دشمنان خلق چین ناگهان بتکاپو افتاده‌اند تا خود را بی آزار و حتی قابل ترحم جلوه دهند (خوانندگان باید توجه کنند که آنها در آینده هم چنین وانمود خواهند کرد) . سون کا که بتازگی بریاست شورای اجرایی حکومت گومیندان منصوب شده ، مگر در ژوئن سال گذشته اظهار نداشت : " بشرط آنکه در عرصه نظامی تا آخر مبارزه کنیم دیر یا زود مسئله حل خواهد شد " ؟ ولی همین شخص اکنون بمحض اینکه روی کار آمد ، دم از یک " صلح شرافتمندانه " زد و اعلام کرد : " دولت تمام هم و کوشش خود را در راه صلح بکار بسته است و فقط باین علت که صلح هنوز نتوانسته برقرار شود ، اجباراً می‌جنگد ، ولی هدف نهائی از جنگ استقرار مجدد صلح است " . بلافاصله خبرگزاری « یونایتد پرس » در تاریخ بیست و یکم دسامبر از شانگهای پیش‌بینی کرد که اعلامیه سون کا " در محافل رسمی ایالات متحده آمریکا و در بین لیبرالهای گومیندان شدیداً مورد استقبال قرار خواهد گرفت " . در حال حاضر مقامات رسمی آمریکا نه فقط راغب " صلح " در چین میباشند ، بلکه بارها ادعا کرده‌اند که ایالات متحده آمریکا پس از کنفرانس وزیران امور خارجه اتحاد شوروی ، آمریکا و بریتانیا در دسامبر سال ۱۹۴۵ در مسکو " از میاست عدم

مداخله در امور داخلی چین ، پیروی میکند . حال تکلیف ما با این آقایان ” سرزمین جنتلمن ها “ چیست ؟ در اینجا این افسانه باستانی یونان کاملاً مصداق می یابد : ” روستازاده ای در یکی از روزهای زمستان ، ماری را که از فرط سرما یخ زده بود ، پیدا کرد و از روی ترحم و دلسوزی روی سینه خود جای داد . مار در اثر گرما ، دوباره جان گرفت و بنا بر طبیعت ذاتی اش نیش کشنده ای در سینه ناچی خود فرو کرد . دهقان در حال احتضار زیر لب چنین گفت : ترحم کردن بیک موجود شریر ، پاداشی به از این ندارد ! “ (۵) مارهای سمی خارجی و چینی نیز برای خلق چین مرگی چون مرگ آن دهقان را آرزو میکنند و امیدوارند که حزب کمونیست چین و تمام انقلابیون دسوکرات مانند آن دهقان در مقابل آنان بر سر رحم و شفقت آیند ؛ ولی خلق چین ، حزب کمونیست چین و تمام انقلابیون دسوکرات واقعی آخرین سخنان آن زحمتکش را شنیده و برای همیشه در خاطر نگاه خواهند داشت . علاوه بر این ، مارهائیکه در قسمت اعظم خاک چین چمباتمه زده اند — چه بزرگ و چه کوچک ، چه سیاه و چه سفید و چه دندان زهرآلود خود را نشان دهند و چه بصورت دخترکان زیبارو در آیند — با وجود آنکه سرمای زمستان را حس کرده اند ، هنوز از شدت سرما خشک نشده اند .

خلق چین نسبت باین بی سیرتان مار صفت هرگز ترحمی بدل راه نخواهد داد و عمیقاً معتقد است که کسانی که مزورانه ادعا میکنند باید نسبت باین اراذل دلسوزی و شفقت نشان داد و گرنه خلاف سنن چین و بزرگواری عمل شده است ، نمیتوانند دوست صدیق خلق چین باشند . بکدام سجوزی باید باین مارصفتان رذل ترحم و ارفاق کرد ؟ کدام کارگر و کدام دهقان و سربازی است که برای این اراذل درخواست

رحم و شفقت بکند ؟ بی شک بعضی " لیبرالهای گویندگان " و یا " لیبرالهای " خارج از گویندگان هستند که بخلق چین پند و اندرز میدهند که پیشنهاد " صلح " آمریکا و گویندگان را بپذیرد ، بعبارت دیگر باید از بقایای امپریالیسم ، فئودالیسم و سرمایه داری بوروکراتیک همچون اشیاء مقدس نگاهداری شود و سراقب بود تا مبادا این گنجینه نایاب از صحنه گیتی ناپدید گردد . ولی اینان قطعاً نه کارگران و دهقانان و سربازان اند و نه دوستان کارگران و دهقانان و سربازان .

ما معتقدیم که اردوگاه انقلابی خلق چین باید همچنان توسعه یابد و تمام آنکسانی را که در حال حاضر مایل بشرکت در امر انقلابند ، دربرگیرد . انقلاب خلق چین نیازمند یک ارتش اصلی است ولی به متحدینی نیز احتیاج دارد ، زیرا یک ارتش بدون متحد قادر به درهم شکستن دشمن نخواهد بود . خلق چین که اکنون در قله انقلاب ایستاده ، نیازمند دوست است و باید همیشه یاد دوستان خود را در خاطر زنده نگاهدارد و هرگز خاطره آنانرا فراموش نکند . شکی نیست که در چین دوستان زیادی هستند که بامر انقلاب خلق وفادارند و با کوشش تمام از منافع خلق دفاع میکنند و از دفاع از منافع دشمن سرباز میزنند . فراموش کردن حتی یکی از این دوستان و یا بی اعتنائی نسبت به یکی از آنان هرگز روا نیست . ما همچنین برآنیم که اردوگاه انقلابی خلق چین باید همچنان مستحکم گردد و بهیچوجه نباید به عناصر خرابکار راه داده شود که بتوانند بداخل این اردوگاه نفوذ کنند و یا نظرات نادرست موضع مسلط یابند . خلق چین در این مرحله از اوج انقلاب نه فقط باید خاطره دوستان خود را در سینه محفوظ دارد ، بلکه باید دشمنان خود و دوستان آنانرا نیز هیچگاه از یاد دور ندارد .

همانطور که در بالا گفتیم ، از آنجا که دشمن مکارانه متد " صلح " و رخنه کردن به صفوف انقلابیون را بکار میبرد و سعی در حفظ و تحکیم موقعیت خویش دارد و از آنجا که منافع اساسی خلق ایجاب میکند که کلیه مرتجعین را کاملاً نابود کنیم و نیروهای تجاوزکار امپریالیسم آمریکا را از چین بیرون رانیم ، لذا آنانکه بخلق پند و اندرز میدهند بدشمن رحم و شفقت کند و از نیروی ارتجاع حفاظت نماید ، دوستان خلق نیستند ، بلکه دوستان دشمن میباشند .

امواج توفنده انقلاب چین کلیه قشرهای اجتماعی را مجبور بموضع گیری میکند . تناسب نیروهای طبقاتی در چین مجدداً تغییر می یابد . هر روز توده های بیشتری از مردم قید و بند تأثیر و کنترل گومیندان را میگسلند و بار دوگانه انقلاب میپيوندند ؛ ولی در مقابل ، مرتجعین چینی که در بن بست سختی دست و پا میزنند ، هم اکنون دیگر تنها و منفرد گشته اند . هر چه جنگ آزادیبخش توده های به پیروزی نهائی نزدیکتر میشود ، همه خلق انقلابی و دوستان خلق پیوند اتحاد خود را محکمتر میسازند و تحت رهبری حزب کمونیست چین نابودی نهائی نیروهای ارتجاعی و گسترش قاطع نیروهای انقلاب را طلب میکنند تا در سراسر کشور يك جمهوری دموکراتیک خلق بنا شود و صلح بر اساس اتحاد و دموکراسی بدست آید . بالعکس امپریالیستهای آمریکا و مرتجعین چینی و دوستان آنان با وجود اینکه قادر باتحاد استوار با یکدیگر نیستند ، با وجود اینکه درگیر مبارزه ای بی پایان علیه یکدیگرند و متقابلاً یکدیگر را بباد ناسزا و دشنام میگیرند ، بهم تهمت و افترا میزنند و یکدیگر خیانت میکنند ، معذک همه آنها در يك نکته متفق القولند : آنها با توسل بهر وسیله ای در راه نابودی نیروهای انقلاب و حفظ نیروهای ارتجاع

خواهند کوشید و بدین خاطر از هر وسیله آشکار و پنهان ، مستقیم و غیرمستقیم استفاده خواهند کرد . ولی ما با اطمینان تمام میتوانیم بگوئیم که دسیسه‌های سیاسی آنها با همان شکستی که حملات نظامی‌شان دچار شد ، روبرو خواهد گشت . خلق چین و ستاد کل فرماندهی آن ، حزب کمونیست چین که تجربیات کافی در اختیار دارند ، مسلماً دسایس دشمن را خنثی خواهند کرد - کماینکه حملات نظامی دشمن را درهم کوبیدند - و جنگ کبیر آزادیبخش توده‌ای را بسرانجام خواهند رساند . در سال ۱۹۴۹ ارتش آزادیبخش توده‌ای چین به جنوب رودخانه یان تسه پیشروی خواهد کرد و از سال ۱۹۴۸ پیروزیهای باز هم عظیمتری بلمست خواهد آورد .

در سال ۱۹۴۹ موفقیت‌های ما در جبهه اقتصادی بازهم بیشتر از سال ۱۹۴۸ خواهند شد . میزان تولیدات کشاورزی و صنعتی ما از میزان کنونی بالاتر خواهد رفت . کلیه خطوط راه آهن و جاده‌های شوسه ترمیم خواهند شد . واحدهای عمده ارتش آزادیبخش توده‌ای در عملیات جنگی خود بقایای روحیه پارتیزانی را بر طرف خواهند ساخت و به شکل عالیتز ارتش منظم خواهند رسید .

در سال ۱۹۴۹ کنفرانس مشورتی سیاسی بدون شرکت مرتجعین و بغاطر انجام وظایف انقلاب توده‌ای تشکیل خواهد شد و جمهوری توده‌ای چین اعلام و دولت مرکزی جمهوری تأسیس خواهد گردید . این دولت يك دولت ائتلافی دموکراتیک تحت رهبری حزب کمونیست چین خواهد بود و افراد صالح که نمایندگان احزاب دموکراتیک و سازمانهای توده‌ای میباشند ، در آن شرکت خواهند داشت . اینها وظایف مهم و مشخصی هستند که خلق چین و حزب کمونیست

چین و تمام احزاب دموکراتیک و سازمانهای توده‌ای چین در سال ۱۹۴۹ برای انجام آنها باید از هیچ سعی و کوششی فروگذار نکنند. ما از هیچ مشکلی نمیهراسیم و همه دوشادوش یکدیگر چون پیکری واحد در انجام این وظایف خواهیم کوشید.

ما در مبارزه خود ظلم چند هزار ساله فئودالی و ستم صد ساله امپریالیسم را برای همیشه از میان بر خواهیم داشت. سال ۱۹۴۹ سال پراهمیتی خواهد بود و ما بایستی سعی و کوشش خود را چندین برابر کنیم.

یادداشتها

۱ - پس از تسلیم ژاپن در سال ۱۹۴۵، دولت گومیندان سه استان شمال شرقی (یعنی لیائو نین، جی لین، حی لون جیان) را به نه استان تقسیم کرد که عبارت بودند از لیائو نین، لیائو به، ان دون، جی لین، سه جیان، سون جیان، حی لون جیان، فن جیان، سین ان؛ ولی در سال ۱۹۴۹ کمیسیون اداری شمال شرقی ما این مناطق را به ۵ استان تقسیم کرد که عبارت بودند از لیائو دون، لیائو سی، جی لین، حی لون جیان، سون جیان و از آن پس این ۵ استان بانضمام استان ژه هه بنام ۶ استان شمال شرقی معروف شدند. سال ۱۹۵۴ شورای دولت مرکزی توده‌ای از دو استان لیائو دون و لیائو سی، استان لیائو نین و از دو استان سون جیان و حی لون جیان استان حی لون جیان را تشکیل داد؛ استان جی لین همچنان باقی ماند. سال ۱۹۵۵ استان ژه هه منحل شد و به استانهای سه به و لیائو نین تقسیم شد.

۲ - این مواضع کلیدی بقرار ذیل تحت اشغال در آمدند: شی جیا جوان در تاریخ ۱۲ نوامبر ۱۹۴۷، یون چن در تاریخ ۲۸ دسامبر ۱۹۴۷، سی پین در تاریخ ۱۳ مارس ۱۹۴۸، لوه یان ابتدا در تاریخ ۱۴ مارس ۱۹۴۸ و سپس مجدداً در تاریخ ۵ آوریل ۱۹۴۸، ای چوان در تاریخ ۳ مارس ۱۹۴۸، بانو جی در تاریخ ۲۶ آوریل ۱۹۴۸، وی سیان در تاریخ ۲۷ آوریل ۱۹۴۸،

لین فن در تاریخ ۱۷ مه ۱۹۴۸ ، کای فون در تاریخ ۲۲ ژوئن ۱۹۴۸ . کلیه این شهرها بوسیله قلاع متعدد و بعضی از آنها بوسیله دیوارهای مستحکم محافظت میشدند . بعلاوه این شهرها دارای استحکامات دفاعی و شبکه‌های سنگربندی و سیمهای خاردار و موانع چوبی نیز بودند . ارتش ما در آنزمان نه هواپیمائی داشت و نه تانکی ، توپخانه هم اصلاً نداشت یا خیلی کم داشت . از اینرو ارتش ما در حمله و تصرف این شهرها برای اشغال این استحکامات يك سلسله تاکتیکهائی فراگرفت که مهمترین آنها عبارت بودند از :

(۱) عملیات تخریبی متوالی - استفاده از مواد منفجره برای تخریب

متوالی استحکامات دفاعی دشمن ؛

(۲) نقب زنی - تونلهای مخفی تا زیر قلاع و یا دیوارهای شهر دشمن

که سپس از آنها بوسیله مواد منفجره منهدم میشدند و در تعقیب آن عملیات شدید شبیخونی انجام میگرفت ؛

(۳) سنگرهای طولیل - حفر سنگرهای مخفی تا نزدیکی مواضع مستحکم

دشمن و سپس شبیخون زدن ؛

(۴) پرتاب مواد منفجره - پرتاب مواد منفجره بوسیله راکت یا خمپاره‌انداز

برای انهدام استحکامات دفاعی دشمن ؛

(۵) تاکتیک "چاقوی نوک تیز" - تمرکز قوای نظامی و نیروی

آتش در يك نقطه برای نفوذ در خطوط دشمن و متفرق ساختن نیروهای دشمن .

۳ - مقصود از نیپ در اینجا تیپهائی است که پس از تجدید سازمان

ارتش گومیندان تشکیل شدند ، حال آنکه منظور از لشگر در اینجا لشگرهای قبل از

تجدید سازمان ارتش گومیندان میباشد که در واقع برابر با تیپهای همین زمان است .

۴ - " راه میانه " همان باصطلاح راه سوم بود . مراجعه شود به « اوضاع

کنونی و وظایف ما » ، یادداشت ۸ ، جلد حاضر .

۵ - « نیکی را با بدی جواب دادن » از افسانه ایسوپ .

درباره تقاضای صلح از طرف جنایتکار جنگ

(۵ ژانویه ۱۹۴۹)

چانکایشک ، این جنایتکار شماره یک جنگ در چین و این سرکرده دارودسته راهزنان گومیندان ، بمنظور حفظ نیروهای ارتجاع چین و نیروهای تجاوزکار آمریکا در چین ، در روز اول سال اظهاریه‌ای داد و در آنجا خواهان صلح شد . چانکایشک ، این جنایتکار جنگ در آنجا چنین میگوید :

بشرط آنکه مذاکرات صلح با استقلال و تمامیت کشور زیان

متن حاضر نخستین تفسیر از سلسله تفسیرهایی است که بوسیله رفیق مائو تسه دون بمنظور افشاء گومیندان که از مذاکرات صلح برای حفظ نیروهای ضد انقلابی خویش استفاده میکرد برای خبرگزاری سین هوا نوشته شده است . متن‌های زیرین نیز در جزو سلسله تفسیرهای مذکور میباشد : « چرا مرتجعان که در پراکندگی کامل افتاده‌اند هنوز بیهوده برای "صلح همگانی" جنجال میکنند ؟ » ، « مرتجعان گومیندان از "دعوت به صلح" به دعوت به جنگ روی آورده‌اند » ، « تفسیری درباره پاسخ‌های گوناگون گومیندان به مسئله مسئولیت جنگ » ، « دولت نانکن بکجا میرود ؟ » .

نرساند و بتواند به نیرو گرفتن خلق کمک کند ، بشرط آنکه قانون اساسی مقدس با اقدامات من نقض نشود و به رژیم مشروطه دموکراتیک لطمه‌ای وارد نیاید ، بشرط آنکه شکل دولتی جمهوری چین ضمانت شود و سیستم قضائی جمهوری چین دست نخورد ، بشرط آنکه نیروهای مسلح بطور مطمئن محفوظ بمانند و خلق بتواند شیوه آزاد زندگی خود را نگهدارد و حد اقل سطح زندگی کنونی خویش را حفظ کند ، من شخصاً تقاضای دیگر ندارم .

... بشرط آنکه صلح بتواند بصورت واقعیت در آید برای من یکسان است که در شغل خود بمانم و یا بکناری روم . من تسلیم اراده خلق خواهم بود .

در این فکر نباشید که تقاضای صلح از طرف جنایتکار جنگ امری تمسخرانگیز است . در این فکر نباشید که چنین اظهاریه‌ای حاکی از تقاضای صلح واقعاً انزجارآور است . باید این نکته را دریافت که این واقعیت که جنایتکار شماره یک جنگ و سرکرده دارودسته راهزنان گومیندان شخصاً به تقاضای صلح میپردازد و چنین اظهاریه‌ای صادر میکند برای خلق چین فایده آشکاری دارد باین معنی که بوی امکان شناختن توطئه‌ای را میدهد که دارودسته راهزنان گومیندان و امپریالیسم آمریکا طرح کرده‌اند . خلق چین میتواند از اینجا نتیجه بگیرد که آن "صلحی" که در پیرامونش اینهمه جنجال میکنند همان چیزی است که مورد احتیاج مبرم دارودسته آدمکشان چانکایشک و خداوندگاران آمریکائی آنهاست .

چانکایشک تمام نقشه دارودسته خود را فاش ساخته‌است . اینک

نکات اساسی این نقشه :